

مقاله پژوهشی: طرح الگوی تعامل ناجا با قوای سه گانه در حوزه پیشگیری از جرم

محمدسعید اخلاقی^۱، مهدی مقیمی^۲ و علیرضا میلانی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۲۷

چکیده

هدف از پژوهش حاضر طراحی الگوی تعامل نیروی انتظامی با قوای سه گانه در حوزه پیشگیری از جرم بود. روش پژوهش توصیفی از نوع تحلیلی است. در جهان امروزی پیشگیری از جرم که با هدف کاهش فرصت‌ها و انگیزه‌های مجرمانه انجام می‌پذیرد، اهمیت بسیاری یافته است؛ زیرا ارتکاب جرم و بزه از راه‌های مختلف صورت می‌گیرد و پیچیدگی و گستردگی خاصی پیدا کرده که کشف آن زمان زیاد و هزینه‌های گزافی در پی خواهد داشت. تعامل نیروی انتظامی با قوای سه گانه در حوزه پیشگیری از جرم از عوامل مهمی محسوب می‌شود که می‌تواند امنیت اجتماعی را برای اقشار مختلف جامعه به ارمغان بیاورد. هرچند وظیفه پیشگیری از جرم مطابق با بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی ایران (اقدام مناسب برای پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمین) بر عهده قوه قضاییه نهاده شده است، اما متولی بودن قوه قضاییه در پیشگیری از جرم به معنای نقش نداشتن دیگر سازمان‌ها و نهادها نمی‌باشد، بلکه دیگر سازمان‌ها و نهادها به‌عنوان ابزار قوه قضاییه برای پیشگیری از جرم محسوب می‌شوند. لذا علت واگذاری این مهم به قوه قضاییه شاید به این دلیل باشد که مهم‌ترین ارگانی که به علل و عوامل و مؤلفه‌های جرم می‌تواند وقوف داشته باشد قوه قضاییه است. پیشگیری از وقوع جرم مستلزم ایجاد سازوکارها و تدارک اقدام‌هایی است که با مشارکت نیروی انتظامی، نهادها، قوای سه گانه، مؤسسه‌های مأمور به خدمت عمومی و شهرداری‌ها، رسانه و... تأمین می‌شود، بدین جهت در سایه ایجاد معاونت پیشگیری در قوه قضاییه ضمن برنامه‌ریزی و روشمند ساختن اقدام‌های آتی، نقش دیگر نهادها را نباید از یاد برد و باید پذیرفت که منظور قانون اساسی در وا نهادن وظیفه پیشگیری بر عهده قوه قضاییه، مدیریت آن به جهت تحقق و ارتباط موضوع با این قوه می‌باشد و بی‌شک دستگاه قضایی در پیشگیری از وقوع بزه از مشارکت دیگر نهادها، در حد وظیفه واگذار شده به آن‌ها و به اشکال مختلف بی‌نیاز نیست.

کلیدواژه‌ها: تعامل، نیروی انتظامی، قوای سه گانه، پیشگیری از وقوع جرم

۱. دانشجوی ارشد حقوق جزا SAEED. Akhlaghi 1382@gmail.com

۲. هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی (نویسنده مسئول) M60_MOGHIMI@yahoo.com

۳. هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلام شهر ALIREZAmilani@yahoo.com

مقدمه

جهان به شکل بی سابقه و معنادار و با آهنگی سریع در سه حوزه مهم یعنی: ۱. تغییر شکل ارتکاب جرائم و ظهور جرائم پیچیده؛ ۲. تحول مستمر محیط‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی؛ ۳. فراگیر شدن فناوری‌های پیشرفته اطلاعات و ارتباطات و ایجاد بستری‌های جدید برای بزهکاری، با چالش مواجه شده است (شاهرودی، ۱۳۹۶).

پیشگیری از نظر لغوی به معنای «جلوگیری و دفع» و پیشگیری کردن به معنای «مانع شدن» به کار رفته است. پیشگیری در جرم‌شناسی یعنی جلوگیری از بزهکاری با شیوه‌های گوناگون که بیرون از نظام کیفری به کار می‌روند؛ یعنی اساس آن در تدابیر کنشی (غیرکیفری) است (احمدی، ۱۳۹۴).

پیشگیری از جرم ضرورتی انکارنشدنی است که نیازمند برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری است. این امر هرچند در بند پنجم اصل ۱۵۶ قانون اساسی و در زیرمجموعه وظایف قوه قضاییه پیش‌بینی شده است ولی هیچ‌گاه شکل عملیاتی به خود نگرفت تا اینکه در سال ۱۳۸۴ لایحه پیشگیری از جرم به مجلس ارائه شد. لایحه مزبور به موضوع ساختار و مدیریت پیشگیری از جرم در ایران می‌پردازد و در همین راستا شورای عالی پیشگیری از جرم به ریاست رئیس قوه قضاییه تشکیل خواهد شد.

پیشگیری از جرم در دو شاخه قابل بررسی است، شاخه نخست پیشگیری پس از ارتکاب جرم است که در این مرحله برای کاهش تکرار جرم توسط نهاد یا نظام کیفری صورت می‌گیرد. به بیانی خود مجازات مجرم به منزله بازدارندگی از تکرار جرم و متنبه شدن است که در واقع پیشگیری پس از جرم است. نوع دیگر، پیشگیری از وقوع جرم است. یعنی قبل از ارتکاب جرم باید با تدابیر و اقدامات به موقع و مناسب از وقوع بزه جلوگیری کرد. در نوع دوم پیشگیری، همه نهادها ایفای نقش کرده و وظیفه دارند با همکاری و تعامل، راهکارها و شیوه‌های پیشگیری را به کار گیرند. بنابراین آموزش پیشگیری از جرم توسط قوای سه‌گانه و نیروی انتظامی ضروری می‌باشد. البته باید تأکید کرد در هیچ موردی پیشگیری موفق نمی‌شود مگر اینکه علل و انگیزه‌های هنجارشکنی و

ارتکاب جرم شناسایی شوند تا با کاهش یا از میان بردن آن‌ها نتیجه مورد نظر حاصل شود (حامدی، ۱۳۹۵: ۹).

نیروی انتظامی همانند بسیاری از پلیس‌های پیشرفته جهان، انجام مداخلات پیشگیرانه برای مبارزه با جرم و ناامنی را در اولویت کاری خود قرار داده و حتی سال ۱۳۸۷ از سوی فرماندهی نیروی انتظامی به‌عنوان سال پیشگیری از جرم نام‌گذاری شده است. موفقیت سازمان پلیس در تحقق پیشگیری انتظامی از جرم مستلزم عوامل متعددی است که یکی از آن‌ها وجود راهبردهای روشن و دقیق پیشگیری از جرم است.

بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «اقدام مناسب برای پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمان» را یکی از وظایف قوه قضاییه دانسته است. این عبارت دو وظیفه را بر عهده قوه قضاییه می‌گذارد: اول، سیاست‌های جنایی که شامل کشف و تعقیب و تحقیق جرائم و متهمان است و دوم، سامانه یا نظامی که متولی مدیریت و اجرای این فرآیند محسوب می‌شود که همان نظام عدالت جنایی است. در لایحه پیشگیری از جرم این عبارت، پیش‌بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم و اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم برای از بین بردن یا کاهش آن تعریف شده است.

آنچه در بند ۵ اصل ۱۵۶ منعکس شده، دست‌کم از نظر مفهومی دارای دو جنبه برجسته است که یکی از آن‌ها پیشگیری به معنای خاص کلمه است؛ یعنی «پیشگیری کنشی» که به مرحله پیش از وقوع جرم مربوط می‌شود و جز در مواردی اصولاً از وظایف قوه قضاییه و نظام عدالت جنایی محسوب نمی‌شود و دوم (اصلاح مجرمان یا بزه‌کاران) در واقع جنبه خاصی از پیشگیری واکنشی از طریق تدابیر جرم‌شناختی بالینی و در چهارچوب نهادهایی مثل سازمان زندان‌هاست. با توجه به جنبه اخیر، به نظر می‌رسد، مفاد بند ۵ اصل ۱۵۶ با آنچه در عنوان کنگره‌های پنج‌سالانه بازتاب یافته است، تعارض پیدا می‌کند، زیرا سازمان ملل متحد از جمله، در قالب کنگره‌های پیش‌گفته از سیاست‌گذاری جنایی به معنای موسع آن در تمام سطوح تقنینی، قضایی، اجرایی و مشارکتی در راستای تحقق دادگری [عدالت] جنایی سخن می‌گوید. در این مدل، قوه قضاییه و به‌طور کلی، قوای سه‌گانه دولتی، یکی از

متولیان سیاست جنایی قلمداد می‌شوند و این سیاست جنایی به معنای موسع است که با پیشگیری از جرم به معنای واقعی آن (پیشگیری کنشی) پیوند می‌خورد. در نتیجه قوه قضاییه در چهارچوب بند ۵ اصل ۱۵۶ نمی‌تواند وظیفه پیشگیری از جرم را به این معنا؛ یعنی پیش از اقدام‌های واکنشی و از جمله اصلاح بزهکاران عهده‌دار باشد.

قوای سه‌گانه کشور با تعیین بخش‌هایی با عناوین معاونت پیشگیری، ستاد پیشگیری و حفاظت اجتماعی، ستاد امر به معروف و نهی از منکر، حراست، بازرسی و... در تلاشند تا با شناسایی نقاط آسیب‌پذیر یا آسیب‌رسان، قبل از تولید و تکثیر آن، از امنیت اخلاقی و اجتماعی پاسداری نمایند. «بیرانوند» نیز با اشاره به اهمیت نقش قوای سه‌گانه و همه‌آحاد مردم بیان می‌کند: پیشگیری از جرم همیشه به‌عنوان بهترین راه برای ایمن‌سازی و امنیت جامعه شناخته شده است و در تحقق این مهم همه‌آحاد جامعه از جمله مردم، نهادهای فرهنگی، رسانه‌ها، نیروی انتظامی، قوای سه‌گانه و به‌طور کلی حاکمیت نقش دارند. این حقوقدان با اشاره به هزینه‌های گزافی که جرائم مختلف بر جامعه، مردم و قوه قضاییه تحمیل می‌کند نیز می‌گوید: «اهمیت پیشگیری از وقوع جرم آنجا تبلور می‌یابد که بدانیم بودجه‌هایی که صرف پیشگیری از وقوع جرم می‌شود به‌طور قطع بهتر از هزینه‌های بعد از ارتکاب جرم است. حال آنکه مجموعه قوه قضاییه در این سال‌ها تاوان سنگینی بابت ضعف پیشگیری از وقوع جرم پرداخته و هزینه‌های سرسام‌آور انسانی و مالی بر این نهاد مهم تحمیل شده است».

امروزه نقش دستگاه‌های دولتی در پیشگیری از جرم نسبت به دهه‌های گذشته در کشور پررنگ‌تر و ملموس‌تر شده است، بعضی از دستگاه‌ها ارتباط مستقیم با پیشگیری از جرم دارند و بعضی از دستگاه‌ها در موارد خاص و محدود به قانون می‌توانند به‌عنوان ضابط دادگستری عمل و از جرائم پیشگیری کنند. نیروی انتظامی و قوای سه‌گانه به‌عنوان دستگاه‌هایی هستند که ارتباط مستقیم آن‌ها باعث می‌شود تعاملی ایجاد گردد تا امنیت و آسایش عمومی و حمایت از آحاد جامعه افزایش یابد. هرگاه تعامل و ارتباط سازنده میان دستگاه‌ها در کاهش جرائم بیشتر باشد، ارتکاب جرم نیز کاهش می‌یابد. الگوی تعامل

۲. مبانی نظری

۲-۱. پیشینه تحقیق

در این بخش به بررسی تحقیقاتی می‌پردازیم که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم با موضوع تحقیق ارتباط دارند.

- بررسی تعامل نیروی انتظامی با بسیج در پیشگیری از جرائم امنیتی (۱۳۹۲)، عنوان تحقیق است که توسط جزینی، نوائی و محمدی (۱۳۹۲)، انجام شده است. سیاست به کارگیری مردم به عنوان یکی از سیاست‌های پیشگیری از وقوع جرائم در دهه اخیر، رشد و توسعه فراوانی یافته است. یکی از ارکان این امر به کارگیری نیروی بسیج است. میزان و نحوه مشارکت بسیج با نیروی انتظامی، ارتباط تنگاتنگی با فرهنگ و نظام سیاسی حاکم بر جامعه دارد. گرچه همه جرائم به نوعی امنیت را خدشه‌دار می‌کنند اما، در برخی جرائم این خصیصه روشن‌تر است، به عبارت دیگر برخی جرائم به طور مستقیم با مفاهیم امنیت ملی و آسایش عمومی در ارتباط هستند. هدف از این تحقیق بررسی پیرامون تعامل نیروی انتظامی با بسیج در پیشگیری از جرائم امنیتی می‌باشد. این پژوهش کاربردی است و به روش توصیفی-پیمایشی و با استفاده از پرسش‌نامه، نظر بسیجیان و کارکنان یگان ویژه استان آذربایجان غربی جمع‌آوری شد. برای نمونه ره‌گیری، جامعه به دو بخش کارکنان یگان ویژه فرماندهی انتظامی استان و بسیج تقسیم شده است. از ۲۰۰ نفر بسیجی و از ۱۵۰ نفر از کارکنان یگان ویژه فرمانده انتظامی به ترتیب ۱۲۸ نفر و ۱۰۷ نفر به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای انتخاب و مورد ارزیابی قرار گرفتند. یافته‌های تحقیق: ۱. در سطح اطمینان ۹۵ درصد میزان تعامل پلیس با بسیج در پیشگیری از جرائم امنیتی (ناآرامی‌های شهری) مؤثر است. ۲. در سطح اطمینان ۹۵ درصد برگزاری اردوهای مشترک پلیس و بسیج در تعامل آن‌ها تأثیر دارد. ۳. در سطح اطمینان ۹۵ درصد ترویج تفکر و فرهنگ بسیجی در پیشگیری از جرائم امنیتی (ناآرامی‌های شهری) تأثیر دارد. ۴. در سطح اطمینان ۹۵ درصد

مشارکت بسیج و ناجا در تعامل آن‌ها تأثیر دارد. ۵. در سطح اطمینان ۹۵ درصد شورای تأمین در تعامل پلیس با بسیج نقش مثبت دارد. ۶. در سطح اطمینان ۹۵ درصد تسهیلات و حمایت‌های قانونی و قضایی از مشارکت‌جویان، در تعامل پلیس با بسیج نقش مثبت دارد. نتایج این پژوهش نشان داد که تعامل پلیس با بسیج در پیشگیری از جرائم امنیتی (ناآرامی‌های شهری) مؤثر بوده است. همچنین تفکر و ترویج فرهنگ بسیجی، مشارکت نهادی، حمایت‌های قانونی و قضایی از مشارکت‌جویان در پیشگیری از جرائم امنیتی به‌ویژه در ناآرامی‌های شهری نقش مؤثر دارد.

بررسی تعامل بین محیط آکادمیک و صنعت ورزش ایران بر اساس تحلیل اسناد و ساختار، عنوان تحقیقی است که توسط دستوم و همکاران (۱۳۹۲) انجام شده است. هدف از این پژوهش تحلیل تعامل و همکاری بین محیط آکادمیک و بخش‌های اجرایی ورزش کشور بر اساس تحلیل اسناد مربوط به همکاری این دو محیط بود. این پژوهش از نوع مطالعات تحلیل اسناد و به‌صورت گذشته‌نگر است. در این پژوهش به‌صورت هدفمند و در دسترس اسناد، آیین‌نامه‌ها، چارت‌های سازمانی، مصاحبه‌ها، منابع آرشیو و گزارش عملکرد سازمان‌های ورزشی و نهادی علمی و دانشگاهی و همکاری بین این دو نهاد مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج در سه بخش جمع‌بندی نظر کارشناسان در منابع آرشیو، همخوانی آیین‌نامه، چارت سازمانی و گزارش عملکرد سازمان‌ها برای تعامل و گزارش پنج‌ساله ادارات تربیت‌بدنی دانشگاه‌های ورزشی تحلیل و علاوه بر این، الگوی ساختاری فعلی و مطلوب جهت تعامل این دو محیط ارائه شده است. نتایج نشان می‌دهد دیدگاه صاحب‌نظران حوزه رسانه، اساتید و مدیران مراکز علمی ورزشی در مقایسه با مدیران بخش اجرایی همگرایی بیشتری دارد. یافته‌ها حاکی از این است که متناسب با اهداف تعیین‌شده در آیین‌نامه‌ها، واحد مناسبی در چارت‌های سازمانی جهت تعامل با محیط مقابل تدوین نشده و گزارش

عملکردها نیز انطباق مناسبی با وظایف پست‌های سازمانی این مراکز ندارند. گزارش عملکرد ادارات تربیت‌بدنی دانشگاه‌ها در ارتباط با همکاری با بخش ورزش نشان می‌دهد که کلاس مربیگری، طرح تحقیقاتی، سمینار و همایش، کارگاه آموزشی، مربیان و هیئت‌علمی‌های شاغل در دو بخش، کارورزی - کارآفرینی و نشر به‌عنوان مهم‌ترین زمینه‌های همکاری بین این دو محیط، حجم نسبتاً بالایی داشته‌اند اما احتمالاً کیفیت آن‌ها مناسب نیست. به‌طورکلی نتایج حاکی از عدم تعامل مناسب بین محیط آکادمیک و بخش اجرایی ورزش کشور به دلایل متعدد ساختاری و برنامه‌ای است. به نظر می‌رسد باید با خصوصی‌سازی در بخش دانشگاه و ورزش، تدوین قوانین مدون مبنی بر همکاری دو نهاد، اجرای طرح و سمینارهای تحقیقاتی مشترک و کارورزی زمینه برای تعامل هرچه بهتر این دو نهاد مهیا شود.

- **نقش تعامل بهینه نیروی انتظامی با آموزش و پرورش در ارتقاء فرهنگ نظم و ایمنی ترافیکی کشور**، عنوان پژوهشی است که توسط آراسته و همکاران (۱۳۹۰) انجام شده است. پژوهشگران اعتقاد دارند که از سه ضلع مثلث ترافیکی: انسان، خودرو و راه، سهم انسان در رخداد حوادث تلخ ترافیکی به‌تنهایی حدود ۶۰ درصد و با مشارکت دو عامل دیگر تا ۹۵ درصد است. این اندازه تأثیر می‌تواند ناشی از ضعف فرهنگی باشد. نظر به اینکه آموزش فرهنگ نظم و ایمنی صحیح ترافیکی، بهترین راه کاهش این صدمات و زیان‌های جانی، جسمی و مالی است؛ تعامل بهینه نیروی انتظامی با آموزش و پرورش برای ارتقاء فرهنگ نظم و ایمنی ترافیکی کشور مورد توجه قرار گرفت. با توجه به ترکیبی بودن رویکرد تحقیق (کمی و کیفی)، وضع موجود آموزه‌های ترافیکی در کتاب‌های درسی دانش‌آموزان تا مقطع پیش‌دانشگاهی و چگونگی آموزش فرهنگ ترافیک در ۱۴ کشور جهان، با استفاده از روش تحلیل محتوا بررسی گردید. پرسشنامه تحقیق بین ۹۰ نفر از کارشناسان که با استفاده از روش نمونه‌گیری گلوله برفی انتخاب شده بودند،

توزیع و گردآوری شده است. پاسخ‌های دریافتی به سؤال‌های پرسشنامه با استفاده از محاسبه میانگین، آزمون t، سطح معناداری و بیشینه و کمینه، توصیف و تحلیل شده است. نتایج به‌دست‌آمده حاکی از آن است که هر یک از عوامل نرم‌افزاری، سخت‌افزاری، ساختاری، آموزش نظری و آموزش عملی بر تعامل نیروی انتظامی با آموزش و پرورش جهت ارتقاء فرهنگ نظم و ایمنی ترافیکی تأثیر دارند. همچنین حصول هر یک از سه بعد دانشی، عاطفی و رفتاری فرهنگ ترافیک توسط عوامل پنج‌گانه پیش‌گفته تأیید شد.

- **بررسی تعامل سران طوایف با نیروهای انتظامی - امنیتی و تأثیر آن بر امنیت استان سیستان و بلوچستان**، عنوان مقاله‌ای است که توسط اسلامی فر و همکاران در اولین همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت، ارائه شده است. افزایش مناسبات قومی در حوزه‌های تعاملی و معیشتی، عاطفی و فکری و وفاداری اقوام به هویت‌های جمعی فراقومی، هویت ملی را تقویت می‌کند. تعامل و مناسبات سران طوایف بلوچ با نیروهای انتظامی - امنیتی در طی سال‌های اخیر حرکتی نو و جدید است که با برگزاری همایش‌ها، مشارکت در برنامه‌های اجتماعی نیروی انتظامی و برپایی سیاه‌چادر در نمایشگاه‌های نیروی انتظامی شروع شده است. روش تحقیق در این پژوهش تلفیقی از روش میدانی و کتابخانه‌ای می‌باشد. آنچه به‌عنوان موضوع اصلی در این تحقیق بیان شده این است که تعامل سران طوایف با نیروی انتظامی چه تأثیری بر امنیت استان دارد؟ البته فرض تحقیق بر آن است با توجه به بافت قومی و قبیله‌ای استان و در رأس بودن سردار طایفه در قوم و تعامل سران طوایف با نیروی انتظامی تأثیری مثبت بر امنیت و کاهش جرائم داشته است و این تعامل می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد امنیتی پایدار در استان باشد.

- **بررسی و تحلیل عوامل اثرگذار بر بهبود ترافیک در استان هرمزگان**، عنوان مقاله‌ای است که در فصلنامه دانش انتظامی هرمزگان (۱۳۹۳) به چاپ رسیده است. این مقاله درصدد است تا تأثیر عوامل آموزش، تعاملات بین سازمانی،

رسانه‌های جمعی و جامعه‌پذیری را بر بهبود رفتارهای ترافیکی رانندگان استان هرمزگان مورد بررسی قرار دهد. مقاله حاضر با تأکید بر پرسش از ۲۱۲ نفر از رانندگان استان هرمزگان درصد بود تا اثرات متغیرهای پیش‌گفته را به روش پیمایش بر بهبود وضعیت ترافیکی آزمون نماید. یافته‌ها حاکی از آن است که تمامی موارد پیش‌گفته، به‌ویژه محتوا و برنامه‌های رسانه‌ها بیشترین اثرات را در بهبود رفتار ترافیکی دارد. متغیر عوامل بین‌سازمانی با میزان بتای ۰,۳۵ دارای تأثیر معنی‌داری بر بهبود رفتارهای ترافیکی می‌باشد؛ به عبارت دیگر بر اساس نتایج این پژوهش، به‌ازای یک واحد افزایش در تعاملات بین سازمان‌های دخیل در امر ترافیک، رفتارهای ترافیکی افراد به اندازه ۰,۳۵ واحد بهبود پیدا می‌کند.

- سنسریک و اسوینبرن (۲۰۰۱) با انجام پژوهشی در استرالیا با عنوان «ارزیابی طرح آموزش رانندگان جوان» به این نتیجه رسیدند که اجرای برنامه‌های آموزشی (دادن آگاهی) برای رانندگان موجب ایجاد تغییرات چشمگیری در نگرش و عملکرد رانندگان در مورد خطرات رانندگی و کاهش خطر حادثه در جوانان در مقایسه با سایر سنین شده است (به نقل از عباس‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۸). این آموزش نتیجه تعامل سازمانی بین پلیس و آموزش و پرورش در استرالیا می‌باشد که پایه‌های آن در دوران تحصیل افراد، ریخته شده است. این آموزش‌ها در حکم نوعی سرمایه‌گذاری بلندمدت برای پلیس می‌باشد که از طریق آن، جرائم و رفتارهای پرخطر رانندگی در سال‌های آتی را کاهش می‌دهد.

- در رابطه با پژوهش‌های انجام‌شده نیز باید گفت که دکتر نجفی ابرندآبادی در مقاله «پیشگیری عادلانه از جرم»، مندرج در علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از دکتر آشوری)، به تعریف پیشگیری و انواع آن پرداخته و به مبانی آن و پیشگیری در مفهوم عام و خاص نیز اشاره کرده است.

- یکی از پژوهشگران (محمد نسل، ۱۳۹۱: ۳۲) در مقاله‌ای با عنوان «مدیریت پیشگیری از وقوع جرم و آسیب‌های اجتماعی» به انواع پیشگیری کیفری و غیر کیفری، به آسیب‌های اجتماعی و نقش پیش‌بینی در پیشگیری از جرم پرداخته است.

- عباس تدین به‌عنوان یکی دیگر از نویسندگان در مقاله خود در روزنامه ایران به نقش پلیس در پیشگیری از جرم پرداخته است و نیز ابوالحسن شاکری در مقاله خود با عنوان «قوه قضاییه و پیشگیری از جرم» به تعریفی از پیشگیری و مفهوم آن از نگاهی دیگر پرداخته و به رویکرد جرم‌شناسی در پیشگیری از جرم اشاره داشته است. با این حال نگاهی به گذشته نشان می‌دهد که در طول سال‌های گذشته، تنها گام‌های اندکی جهت بسترسازی پیشگیری در دستگاه قضا، پلیس و نیز جامعه برداشته شده است. شاید (تشکیل پلیس پیشگیری) و سپس (معاونت اجتماعی و پیشگیری از جرم قوه قضاییه) را بتوان مهم‌ترین اقدامات نهادی صورت گرفته در این خصوص معرفی کرد.

- یکی از پژوهشگران به نام آقای دکتر شهرام ابراهیمی در کتاب خود با عنوان «جرم‌شناسی پیشگیری»، به مبانی پیشگیری و انواع پیشگیری وضعی و اجتماعی و پیشگیری کیفری و غیر کیفری، اهداف پیشگیری و موضوعاتی که نقش مؤثری در پیشگیری از جرم دارند اشاره کرده است.

مرور تحقیقات انجام شده در داخل و خارج از کشور نشان می‌دهد که تعامل پلیس با سایر سازمان‌ها و نهادها، امری رو به افزایش است و دلیل اصلی آن وابستگی کارکردی بسیاری از سازمان‌ها و نهادها به یکدیگر است و از سوی دیگر به دلیل پیچیدگی مسائل اجتماعی، پلیس و نیروهای نظامی ناگزیر به برقراری چنین تعاملی می‌باشند. از سوی دیگر کاهش هزینه‌ها و تعقیب نفع سازمانی، سایر نهادها و سازمان‌ها را وادار می‌کند که به این تعامل روی خوش نشان دهند و درگیر در نوعی از فرآیند مبادله شوند. تحقیقات انجام شده در درجه اول بر فواید چنین تعاملی تأکید دارند و در گام دوم مشخص شد که قالب این تعاملات در قالب تعاملات پلیس راهنمایی و رانندگی با سایر ارگان‌ها می‌باشد.

می‌توان گفت نقش دولت و قوه قضاییه از مؤلفه‌های اساسی و تأثیرگذار در کارآمدسازی سیاست‌ها و برنامه‌های پیشگیری در جامعه است. این نقش از یک سو مقامات رسمی، قضات، ضابطین و در یک کلام نیروهای نظام عدالت کیفری و از سوی دیگر، شامل دولت و مقامات دولتی و نهادها و سازمان‌های مسئول ذیربط آن را در برمی‌گیرد.

مسئله تعامل سازمانی با محیط، در زمره مهم‌ترین مسائل پیش‌روی سازمان‌ها می‌باشد. هسته اصلی سازمان اجتماعی را کنش متقابل تشکیل می‌دهد؛ همکاری کردن، ارتباط برقرار کردن، سهم شدن، استدلال کردن، مذاکره کردن، سازش کردن و تأثیرگذاران. واحدهای مختلف اجتماعی، باید کنش متقابل داشته باشند تا جامعه پدید آید و دوام یابد. آنجا که کنش متقابل اجتماعی پایان یابد، جامعه نیز پایان می‌یابد. کنش متقابل سنگ بنای جامعه است.

نیروی انتظامی به‌عنوان اهرم نظم‌بخش حاکمیت سیاسی و دولت، بعد از تثبیت قوانین و سازوکارهای ادغامی، به تدریج، جلوه‌های تکثری مردم، یعنی قشرها و گروه‌های منتخب مردم را با مفهوم جامعه جستجو و کارکردهای خود را به صورت تخصصی‌تر، متنوع‌تر و نظام‌یافته عرضه کرده است. تعهد در قبال اهداف و ایفای صحیح نقش‌ها توسط ناجا، در دوران حاضر جز از طریق تعامل صحیح با قوای سه‌گانه محقق نخواهد شد و به همین دلیل، تهیه چهارچوبی مناسب برای برقراری این تعامل، در زمره مهم‌ترین اولویت‌ها می‌باشد.

از آنجایی که وابستگی نهادهای مختلف جامعه زمینه تحقق نظم و امنیت را فراهم می‌سازد و ناجا بایستی با محیط تعامل مناسبی داشته باشد، لذا بدون شناسایی ویژگی‌ها و شرایط موجود، امکان برنامه‌ریزی به‌منظور حصول تعامل هدفمند و مثبت میسر نخواهد شد. لذا انجام چنین مطالعاتی به خاطر مزیت‌های شناختی آن، ضرورت قابل ملاحظه‌ای پیدا می‌کند. مطالعه چنین موضوعی بنا به دلایل ذیل، می‌تواند از اهمیت به‌سزایی برخوردار باشد:

۱. انجام چنین مطالعاتی سیاست‌گذاری در زمینه تعامل صحیح ناجا با قوای سه‌گانه را فراهم می‌نماید. این مطالعه با شناسایی نقاط ضعف و قوت موجود، ضمن به تصویر کشیدن وضع موجود، زمینه را برای تصمیم‌گیری بهتر مدیران و فرماندهان ناجا فراهم می‌آورد.

۲. این مطالعه زمینه تقویت یا خلق سرمایه اجتماعی ناجا را فراهم می‌آورد. در این پژوهش به خاطر اینکه سعی می‌شود تا زمینه بهبود تعامل ناجا با قوای سه‌گانه شناسایی گردد، این تعامل، منجر به افزایش سرمایه اجتماعی ناجا خواهد شد.
۳. چنین مطالعه‌ای می‌تواند راهکارهایی مناسب را در جهت برقراری ارتباط بهتر ناجا با قوای سه‌گانه ارائه کند.

۲-۲. مفهوم‌شناسی

– **الگو:** تشریحی برای نشان دادن هدف اصلی یا کارکرد یک موضوع، سیستم یا مفهوم در نظر گرفته می‌شود (اسماعیلی و مهارجرانی، ۱۳۹۵).

– **تعامل:** مفهوم تعامل اجتماعی از چنان گستردگی مفهومی برخوردار است که ذهن هر نویسنده و یا شنونده‌ای را برای درک عمیق و شناخت ابعاد تحلیلی آن با مشکل روبه‌رو می‌سازد. در حقیقت مفهوم تعامل اجتماعی با مفهوم ارتباطات اجتماعی قرابت نظری داشته و الگوهای نظری و تئوری‌های گوناگونی در حوزه‌های جامعه‌شناسی و روان‌شناسی، پیرامون این دو نظریه که می‌توانند برای تبیین تعاملات پلیس کاربرد داشته باشند، وجود دارد؛ بنابراین در گام اول سعی می‌گردد که با ارائه یک تعریف ضمنی و فرهنگ لغتی، ابعاد معانی آن مورد بررسی قرار گیرد. در فرهنگ دهخدا، تعامل به معنای داد و ستد کردن آمده است.

در دایرةالمعارف علوم اجتماعی، تعامل یعنی عمل متقابل دو یا چند موجود زنده با یکدیگر (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۳۶۴).

در این تعریف، تعامل دارای انواع مختلفی است که عبارت‌اند از:

- تعامل مودت‌آمیز
- تعامل دوری
- تعامل تفرقه‌انگیز
- تعامل تأثیرگذار

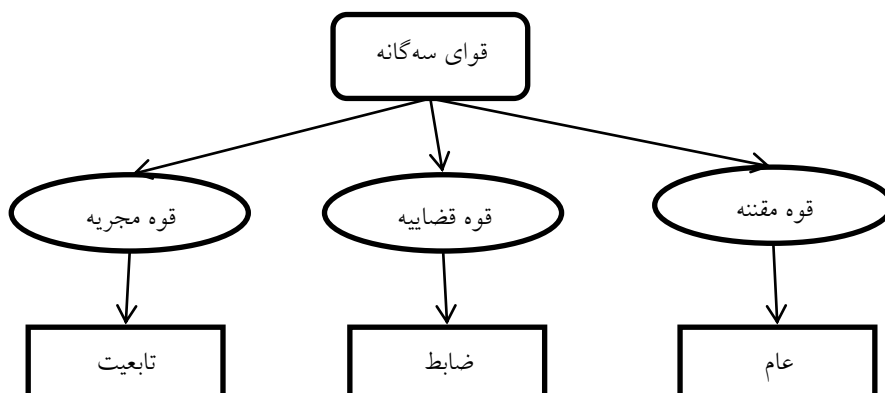
یک فرد تنها، زمانی که در یک اتاق مشغول کار است و با خود سخن می‌گوید و یا به صدایی می‌اندیشد، از نظر فنی در تعامل قرار دارد و از آنجا که تعامل با خود، به‌عنوان یک شی اجتماعی است، عامل خود در جریان یک تعامل اجتماعی دیده می‌شود. به‌طور کلی تعامل با مفاهیم رفتار و کنش تفاوت اساسی دارد. رفتار یا سلوک، شیوه معمول عمل و زندگی است (بیرو، ۱۳۷۵:۳۱).

تعامل اجتماعی به معنای ایجاد رابطه بین دو نفر یا بیشتر است که منجر به واکنشی میان آن‌ها شود و این نوع واکنش برای هر دو طرف شناخته‌شده است؛ بنابراین روابط بدون معنا در زمره این تعریف قرار نمی‌گیرند (بهزادفر و طهماسبی، ۱۳۹۲:۲۸). البته تعاریف دیگری نیز برای تعاملات اجتماعی وجود دارد. به‌عنوان نمونه، تعامل اجتماعی و برقراری ارتباط، می‌تواند یک موضوع فیزیکی، یک نگاه، یک مکالمه و ارتباط بین افراد باشد که خود مستلزم تعریف رویدادها و فعالیت‌های متناسب و در نتیجه نقش‌پذیری مردم در فضا و عضویت آن‌ها در گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی است (دانش‌پور و چرخچیان، ۱۳۷۹:۲۲).

افراد مختلف به سطوح مختلفی از تعامل اجتماعی تمایل دارند. تعریف سطح مطلوب تعامل، به‌طور ذهنی از گفته‌های مردم و به‌طور عینی از موضع‌گیری هنجاری نسبت به زندگی خوب به دست می‌آید. طرح موضوع تعامل پلیس که اولین بار توسط فرماندهی وقت نیروی انتظامی، در قالب دکترین ناجا در جامعه‌محوری پلیس مطرح گردید، نویددهنده فصل نوینی در روابط اجتماعی پلیس و فرصتی برای برقراری نظم و امنیت بوده است و به موازات این نوع تعامل، تعامل پلیس با قوای سه‌گانه نیز از اهمیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار شده است و نشان‌دهنده وابستگی اجزای مختلف نظام اجتماعی به یکدیگر می‌باشد (الیاسی و تقویی، منصور ۱۳۸۸:۳۲۷).

– قوای سه‌گانه: قوای سه‌گانه یا قوای حاکم بر جمهوری اسلامی ایران، بر طبق اصل ۵۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران عبارت‌اند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضاییه که زیر نظر مقام رهبری و مستقل از یکدیگر بر طبق اصول قانون اساسی فعالیت می‌کنند.

- **ضابط:** مأموری که موظف به کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی است (مهبادی، ۱۳۸۵: ۴۱).
- **تابعیت:** رابطه سیاسی و معنوی که شخص را به دولت مرتبط می‌سازد و در نتیجه آن شخص و دولت از حقوق و تکالیف متقابل برخوردار می‌شوند (عابدی، ۱۳۹۱: ۷۶).

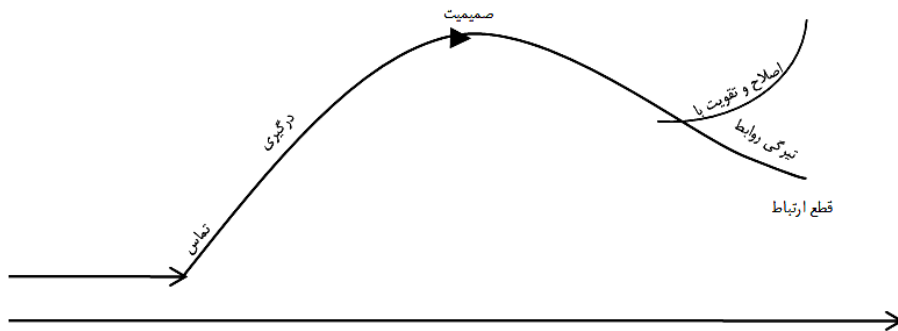


فلوچارت کلی قوای سه‌گانه

۲-۳. چهارچوب نظری

مسئله تعامل سازمانی با محیط، در زمره مهم‌ترین مسائل پیش‌روی سازمان‌ها می‌باشد. هسته اصلی سازمان اجتماعی را کنش متقابل تشکیل می‌دهد؛ یعنی تعاملی که واحدهای مختلف جامعه با یکدیگر دارند: همکاری کردن، ارتباط برقرار کردن، سهیم شدن، استدلال کردن، مذاکره کردن، سازش کردن، تأثیرگذار شدن. واحدهای مختلف اجتماعی، باید کنش متقابل داشته باشند تا جامعه پدید آید و دوام یابد. آنجا که کنش متقابل اجتماعی پایان یابد، جامعه نیز پایان می‌یابد. کنش متقابل سنگ بنای جامعه است.

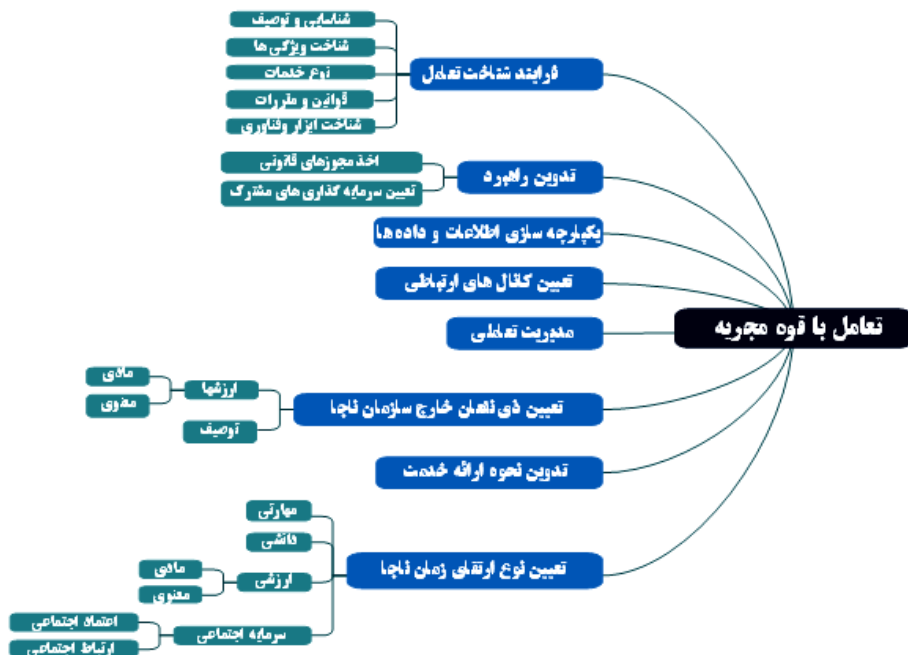
مدل اولیه و فرضی این تحقیق نیز به صورت زیر قابل ترسیم است:



(منبع: حمیدی زاده، ۱۳۸۷: ۷۰)

بر اساس مدل فوق، تعامل ناجا با قوای سه گانه دارای خروجی سه حالتی می باشد که شامل اصلاح و تقویت ارتباط با هر یک از قوای سه گانه؛ تیرگی روابط و بروز کمترین ارتباط و تعامل و در نهایت قطع ارتباط و عدم تعامل مناسب می باشد که بروز هر یک از این خروجی ها، بسته به نوع تعامل ناجا با قوای سه گانه می باشد.

ارائه مدل تعاملی و پیشنهادات مرتبط با آن با عنایت به چهارچوب نظری و یافته ها:



تعامل با قوه مجریه

در این زمینه تعاملات قوی‌تر و مستحکم‌تری برقرار شده است و به‌نوعی ناجا توانسته است در ساختار دولتی جای خود را باز کند و با وزارتخانه‌ها و سازمان‌های زیرمجموعه آن‌ها تعاملات خوبی را برقرار نماید. بیشترین ارتباط ناجا نیز با وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، وزارت علوم و وزارت کشور می‌باشد. با این حال برای تعامل بهتر ناجا با قوه مجریه الگوی زیر پیشنهاد می‌شود:

- آشنایی و شناخت از فرایند تعامل ناجا با سازمان‌های دولتی مرتبط با موضوع

تعامل

- توصیف و تشریح دقیق تعامل و ارتباط

- تدوین ویژگی‌های تعاملی ناجا با مراکز و سازمان‌های دولتی

- تدوین نوع خدمات و شرح وظایف ناجا

- آشنایی و جمع‌آوری قوانین و مقررات مرتبط با ناجا و مراکز دولتی

- تهیه و نیازسنجی ابزارها و فناوری لازم در انجام وظایف تعاملی

- تدوین و تهیه دستورالعمل‌های راهبردی لازم

- اخذ مجوزهای لازم با توجه به اسناد و قوانین بالادستی

- ایجاد و تعیین سهم سرمایه‌گذاری ناجا و مرکز و سازمان‌های دولتی در انجام

وظایف تعاملی

- تعیین و آشنایی با منافع ناجا در تعامل ایجادشده با وزارتخانه و مراکز دولتی

- تعیین و آشنایی با مهارت‌های ایجادشده به جهت وظایف تعاملی ناجا با قوه

مجریه

- تعیین و آشنایی با بالا رفتن دانش و آگاهی کارکنان و سازمان ناجا در انجام

وظایف تعاملی

- تعیین منافع مادی ایجادشده برای ناجا به جهت وظایف تعاملی ناجا با قوه

مجریه

- تعیین ارزش‌های معنوی و اعتبار ناجا به سبب تعامل با مراکز دولتی
- تعیین نوع و سطح سرمایه اجتماعی ایجادشده به سبب تعامل با سازمان دولتی مربوطه
- تدوین سطح اعتماد اجتماعی ایجادشده به جهت وظایف تعاملی ناجا با مراکز دولتی
- تعیین حجم و گسترش ارتباط اجتماعی به سبب وظایف تعاملی ناجا با قوه مجریه
- تعیین ذی‌النفعان خارج از ناجا به جهت وظایف تعاملی
- توصیف و تشریح نوع و مقدار منافع سازمان‌های دولتی به سبب وظایف تعاملی ناجا
- توصیف و تشریح منافع مادی و معنوی سازمان‌های دولتی به جهت تعامل با ناجا
- تدوین و تعیین کانال‌های ارتباطی ناجا با سازمان‌ها و مراکز دولتی
- ایجاد بانک اطلاعات و یکپارچه‌سازی داده‌ها در حوزه موضوع تعاملی با مراکز دولتی
- تعیین مدیریت یکپارچه برای انجام وظایف تعاملی با سازمان دولتی
- تعیین و تدوین مسیر، محدوده و نحوه ارائه خدمات ناجا به سازمان دولتی
- ۱- در حوزه آموزش پرورش که بستر مناسبی برای سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی از سوی ناجا است و می‌توان نوجوانان را تحت آموزش قرار داد، لازم است در بدنه ناجا نیروی متخصص و آشنا با مسائل نوجوانان به کار گرفته شود تا ضمن شناخت مسائل دوران نوجوانی، با استفاده از برنامه‌ریزی مناسب، زمینه برای طراحی برنامه‌های قابل اجرا در سطح مدارس از سوی ناجا فراهم شود و در این زمینه وزارت آموزش و پرورش نسبت به این اقدام توجیه شود.
- ۲- در حوزه دانشگاه نیز لازم است ضمن به‌کارگیری نیروی انسانی متخصص در حوزه آموزش و روان‌شناسی، برنامه‌ریزی‌های لازم در این زمینه انجام شود؛ به

عبارت دیگر هرگونه تعامل سازنده با مدارس و دانشگاه‌ها، نیازمند برخورداری از نیروی انسانی است که شناخت جامعی از مسائل نوجوانان و جوانان داشته باشد تا بتوان بر اساس این شناخت، برنامه‌ریزی جامعی انجام داد.

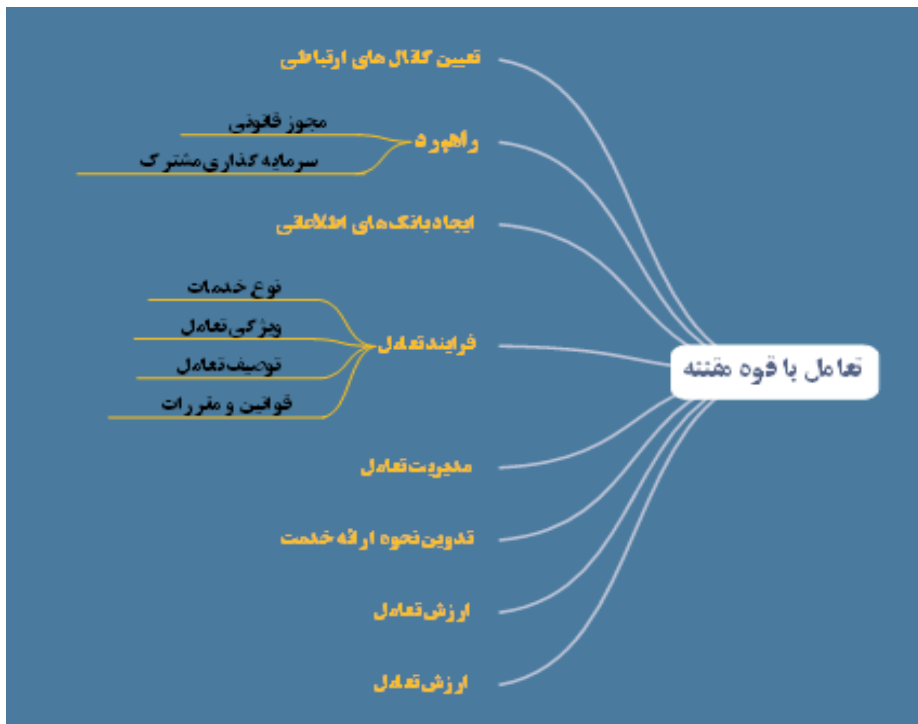
۳- طراحی اتاق فکر و نشست‌های تخصصی با حضور نمایندگان ناجا و وزارتخانه‌های مزبور به‌منظور بهره‌برداری از ظرفیت‌های دو طرف در راستای تأمین نظم و امنیت اجتماعی. به‌عنوان مثال ناجا در زمینه تفاهم‌نامه‌های همکاری با دانشگاه‌های مختلف که زیرمجموعه وزارت علوم محسوب می‌شوند، در بحث‌های امنیتی ورود پیدا کرده است و از این حیث به کمک دانشگاه‌ها آمده است. قدر مسلم زمانی که این تعامل برقرار می‌شود، ناجا نیز می‌تواند برنامه‌های مورد نظر خود را در قبال ارائه خدمات به دانشگاه‌ها، اجرایی نماید و درواقع نوعی مبادله صورت پذیرد.

۴- تشکیل کارگروه ویژه در ناجا به‌منظور شناسایی فرصت‌های پیش‌رو در جهت پیاده‌سازی برنامه‌های مورد نظر. لازم است این کارگروه ضمن شناخت کامل از وظایف و مأموریت‌های وزارتخانه‌های مختلف، زمینه‌های همکاری مشترک را شناسایی نمایند و از این طریق بتوانند در مواردی نیز منابع لازم برای اجرایی نمودن برنامه‌های تخصصی خود را جذب نمایند.

۵- ایجاد کمیته پژوهشی به‌منظور برقراری تعامل پژوهشی با وزارتخانه‌های علوم و آموزش و پرورش در راستای تولید دانش. ترکیب این کمیته از اساتید برجسته دانشگاه علوم انتظامی خواهد بود تا نسبت به شناسایی و عملیاتی نمودن پژوهش‌های مشترک با این دو وزارتخانه اقدامات لازم را به عمل آورند.

۶- اصلاح قوانین و مقررات موجود جهت ایجاد شرایط مناسب برای تعاملات علمی در ناجا که برای این منظور باید از افراد خبره، تیم خاصی جهت بررسی آن‌ها تعیین و پیشنهادهای اصلاحی جهت طی مراحل تصویب به مبادی ذی‌ربط ارسال و تا حصول نتیجه پیگیری گردد.

- ۷- ایجاد سازوکار ویژه جهت تعامل علمی با دانشگاه‌های زیرمجموعه وزارت علوم مثل برگزاری نشست سالیانه فرماندهان و مدیران دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی نیروهای مسلح و تشکیل دبیرخانه دائمی این نشست‌ها و پیگیری مستمر و جدی برنامه‌ها تا حصول نتیجه.
- ۸- اجرای دوره‌های آموزشی طولی و عرضی مشترک با سایر دانشگاه‌ها و مراکز علمی-پژوهشی.
- ۹- تأسیس دفتر همکاری‌های علمی بین ناجا و قوه مجریه در دانشگاه علوم انتظامی و پیگیری امور به صورت تخصصی در این دفتر.
- ۱۰- توسعه نظام‌های ارتباطات مجازی بین مراکز علمی ناجا و سایر دانشگاه‌های زیرمجموعه وزارت علوم.
- ۱۱- عضویت، همکاری و تعامل فعال با کانون‌ها و انجمن‌ها و مجامع علمی-پژوهشی داخل کشور.



تعامل با قوه مقننه

تعامل ناجا با قوه مقننه در زمینه تصویب قوانین مورد نیاز جامعه در جهت ایجاد نظم و امنیت ضرورت پیدا می‌کند. با توجه به اینکه این مسئله بسیار تخصصی است، نیاز به موارد است:

- تعیین کانال‌ها و روش‌های تعامل ناجا با نمایندگان و قوه مقننه
- ایجاد بانک اطلاعات تعاملات متقابل نمایندگان و قوه مقننه با ناجا
- ایجاد و تعیین مدیریت واحد با قوه مقننه و نمایندگان چه در تهران و چه در شهرستان‌ها

- تعیین راهبرد واحد در تعامل با نمایندگان و قوه مقننه
- تدوین دستورالعمل و مجوز لازم در انجام وظایف تعاملی ناجا
- تعیین و تدوین منافع مشترک در داشتن تعامل با نمایندگان و قوه مقننه
- تعیین و آشکارسازی دقیق ذی‌النفعان در تعاملات ناجا با قوه مقننه
- تعیین و تدوین ارزش‌ها و منافع مادی، معنوی و سازمانی ناجا و قوه مقننه
- تعیین فرایند تعامل ناجا با قوه مقننه و نمایندگان مجلس
- تعیین و تدوین نوع خدمات ناجا به قوه مقننه
- تدوین و تعیین ویژگی‌های هر یک از تعاملات ناجا و قوه مقننه
- توصیف علمی و تشریح ماهیت تعاملات با قوه مقننه
- نگارش و تدوین قوانین مرتبط با تعاملات با نمایندگان و قوه مقننه
- ساختارمند نمودن نحوه ارائه خدمات ناجا به نمایندگان و قوه مقننه

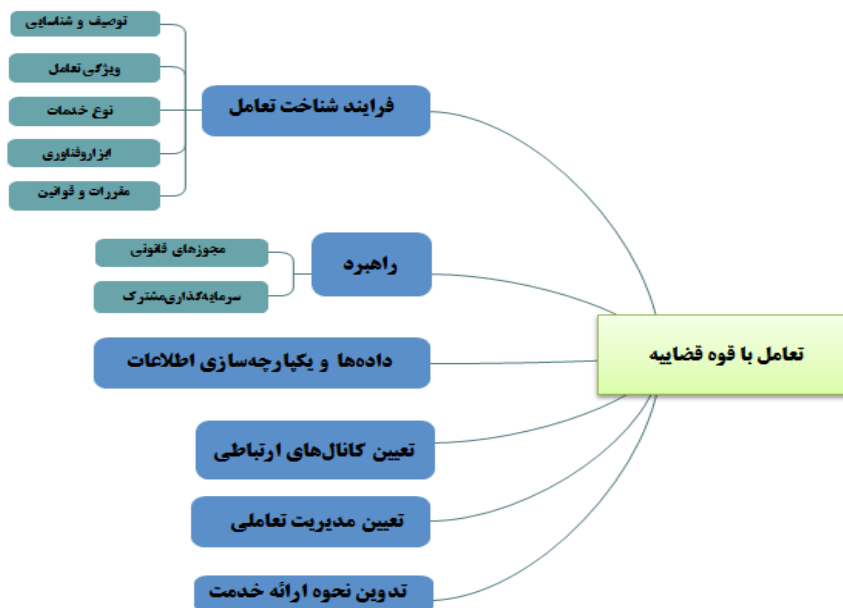
- در گام اول از تیم حقوقی خبره‌ای به‌منظور ارائه پیشنهاد قانونی استفاده شود. این تیم بایستی در زمینه علم حقوق دارای تخصص باشند تا بتوانند ضمن شناخت از وضعیت قوانین مجلس و فضای آن، با نمایندگان وارد تعامل شوند.
- دعوت از نمایندگان مجلس به‌منظور شرکت در کارگروه حقوقی ناجا جهت طرح لوایح به‌منظور تصویب در مجلس شورای اسلامی. این تعامل که در مرحله پیش

از ارسال لایحه به مجلس شورای اسلامی اتفاق می‌افتد، موجب تسهیل در فرایند تصویب قانون خواهد شد و از طرفی با توجه به اینکه نمایندگان و رؤسای کمیسیون‌های تخصصی مجلس در تهیه این قوانین دخالت دارند، تصویب قانون با سهولت بیشتری اتفاق خواهد افتاد.

- تشکیل کارگروه ویژه در ناجا به منظور شناسایی فرصت‌های پیش‌رو در جهت پیاده‌سازی برنامه‌های مورد نظر. لازم است این کارگروه ضمن شناخت کامل از وظایف و مأموریت‌های مجلس شورای اسلامی و سازمان‌ها و نهادهای زیرمجموعه آن (مانند مرکز پژوهش‌های مجلس) زمینه‌های همکاری مشترک را شناسایی نمایند و از این طریق بتوانند در مواردی نیز منابع لازم برای اجرایی نمودن برنامه‌های تخصصی خود را جذب نمایند.
- افزایش ارتباطات سازمانی ناجا با مجلس شورای اسلامی در قالب نشست‌های مشترک با رئیس و نمایندگان مجلس. این نشست‌ها ضمن آنکه به نزدیکی دیدگاه‌های دو طرف منجر خواهد شد، موجب شناسایی فرصت‌های پیش‌رو نیز خواهد شد و در نهایت دو طرف می‌توانند از این وضعیت به‌طور کامل استفاده کنند.
- راه‌اندازی سامانه ارتباط مجلس و ناجا. این سامانه به‌صورت محرمانه و به‌منظور بهره‌گیری از تجارب نمایندگان در زمینه تصویب قوانین می‌باشد. کارشناسان واحدهای مختلف ناجا با ورود به این سامانه خواهند توانست مشکلات حقوقی پیش‌روی سازمان و همچنین نیازهای آتی سازمان را در قالب طرح سؤال و گفتگو با نمایندگان مجلس مطرح کنند و زمینه‌های تصویب قوانین جامع‌تر را فراهم آورند. از سوی دیگر این سامانه در نهایت به فرایند ارتباط دوگانه‌ای منتهی می‌شود که در بستر تعامل سازمانی مهیا شده است.
- همکاری نزدیک ناجا با مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی و استفاده از ظرفیت‌های کارشناسی دو طرف به‌منظور برآورده نمودن نیازهای مطالعاتی و پژوهشی. با توجه به اینکه مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی مجهز به متخصصان و

پژوهشگران حوزه‌های مختلف است، ناجا می‌تواند در زمینه انجام پروژه‌های مطالعاتی خود از این ظرفیت بهره‌برداری نماید و از سوی دیگر، مرکز پژوهش‌های مجلس نیز می‌تواند از توان علمی اساتید دانشگاه علوم انتظامی و مراکز تحقیقاتی ناجا به‌منظور پیشبرد طرح‌های امنیتی و انتظامی در دست اقدام خود استفاده کند.

● چاپ فصلنامه و یا نشریات علمی با همکاری مرکز پژوهش‌های مجلس. اصولاً هم‌نویسی و هم‌پژوهی در ایران سابقه چندانی ندارد و اکثر پژوهشگران تمایل دارند به‌صورت انفرادی به انجام فعالیت‌های علمی مبادرت ورزند. این روحیه در سازمان‌های کشور نیز وجود دارد و کمتر سازمان و نهادی تمایل دارد به چاپ نشریات فصلنامه‌های مشترک اقدام کند و ترجیح آن است که هر سازمان به‌تنهایی یک نشریه را به چاپ برساند. در صورتی‌که ناجا و مرکز پژوهش‌های مجلس بتوانند زمینه‌های مطالعاتی مشترکی را برای خود تعریف کنند، می‌توانند در این زمینه به چاپ نشریه و فصلنامه مشترک اقدام کنند و این همکاری زمینه تقویت روابط این واحد را فراهم می‌آورد. گسترش دامنه همکاری‌های ناجا به سطوح گوناگون می‌تواند ادامه فعالیت‌های آن را هموارتر سازد.



تعامل با قوه قضائیه

تعامل ناجا با قوه قضائیه به لحاظ اینکه ضابط قضایی شناخته می‌شود، مسیر تعریف شده تری نسبت به سایر قوا دارد و از این حیث می‌توان ادعا نمود، تعامل ناجا با قوه قضائیه، ساختاریافته تر دنبال می‌شود. با این حال و بر اساس تجارب موجود می‌توان راهکارها و گام‌های زیر را به منظور برقراری تعامل بهتر پیشنهاد داد:

- تدوین فرایند تعامل و ارتباط هر یک از یگان‌های ناجا با قوه قضائیه
- توصیف علمی ماهیت هر یک از تعاملات یگان‌های ناجا با قوه قضائیه
- تدوین و تعیین ویژگی‌های تعاملی هر یک از یگان‌های ناجا در ارتباط با قوه قضائیه
- تدوین و تعیین نوع خدمات ناجا به عنوان ضابط قوه قضائیه و دیگر وظایف محوله
- آشنایی و احصاء قوانین مرتبط در خصوص وظایف تعاملی ناجا با قوه قضائیه
- تعیین و آشنایی با ابزار و فناوری لازم در انجام وظایف تعاملی ناجا با قوه قضائیه
- تهیه و تدوین راهبرد مناسب در تعاملات ناجا با قوه قضائیه
- تهیه، تدوین و گرفتن مجوزهای لازم در انجام وظایف تعاملی
- آشنایی و تعیین منافع مشترک در انجام وظایف تعاملی ناجا با قوه قضائیه
- تعیین و ایجاد کانال‌های ارتباطی مشخص و مدون در انجام وظایف تعاملی
- یکپارچه‌سازی داده‌ها و ایجاد بانک اطلاعات با توجه به نوع وظایف تعاملی
- تعیین و ایجاد سازمان و مدیریت واحد با توجه به نوع خدمات ارتباطی به قوه قضائیه
- تدوین شرح وظیفه برای هر یک از خدمات ارائه شده به قوه قضائیه

- تهیه پایگاه داده: شناسایی و مستندسازی فرایندهای بین سازمانی، حجم گسترده و متنوعی از داده‌ها را در این خصوص فراهم می‌آورد. بدون شک برخی از این داده‌ها بدون هرگونه پردازی، پاسخی برای پاره‌ای از مسائل است. به عنوان مثال نشان دادن حجم ارتباطات بین ناجا و قوه قضائیه، به کمک داده‌های موجود میسر است، اما در بخشی دیگر از تحلیل‌ها باید از شبیه‌سازی استفاده شود. از این رو لازم است از یک سو با طراحی یک پایگاه داده، داده‌های به دست آمده، حفظ و نگهداری و به روز شوند از سوی دیگر مدل

شبیه‌سازی الگوی ارتباطات نیز تهیه شود. به علاوه این مدل شبیه‌سازی باید در راستای نگرش سلسله‌مراتبی به قوه قضاییه تهیه شود تا امکان انجام تحلیل‌ها در سطوح مختلف و نسبت به هر مجموعه دلخواه از دستگاه‌های مربوط به قوه قضاییه (نظیر دادگاه‌ها) امکان‌پذیر باشد. به عنوان مثال باید بتوان ارتباطات بین سازمانی دستگاه‌های یک استان را با یکدیگر، با سایر استان‌ها و یا با دستگاه‌های بالادست تحلیل کرد.

- تهیه شبکه ناکارآمدی ارتباطات بین سازمانی: در بخشی از ارتباطات بین سازمانی جریان ادامه انجام فرایند در دستگاه اول به گونه‌ای است که به ناچار تا دریافت پاسخ دستگاه دوم باید متوقف شود. در این موارد، به طور منطقی نباید طولانی شدن زمان انجام کارها را متوجه دستگاه اول دانست، اما در عالم واقع اغلب این زمان طولانی و ضعف عملکرد ناشی از آن را متوجه سازمان اول می‌دانند. از این رو در شبکه ناکارآمدی تعیین می‌گردد که چند درصد از عدم کارایی یک دستگاه ناشی از ارتباطات بین سازمانی آن با سایر دستگاه‌هاست. بی‌شک تهیه چنین شبکه‌ای، کمکی قابل توجه در شناخت مشکل‌سازترین دستگاه‌ها در شبکه ارتباطات است.

- برگزاری جلسات مشترک در سطوح عالی سازمان با مسئولان قوه قضاییه: برگزاری جلسات مشترک می‌تواند به شناسایی ظرفیت‌های موجود در دو طرف فرایند ارتباط منتهی شود و از این حیث نوعی فرصت برای طرفین تعامل می‌باشد. این جلسات در ابتدا می‌بایست در سطوح عالی سازمان‌ها فراهم شود و در نهایت تا پایین‌ترین سطوح نیروی انتظامی و قوه قضاییه (و زیرمجموعه‌های آن) ادامه پیدا کند. گسترش دامنه تعامل تا پایین‌ترین سطوح به نهادینه شدن تعامل کمک می‌کند و موجب می‌شود موانع تعامل در سطوح پایین سازمان برطرف شود.

- راه‌اندازی پایگاه مشترک داده‌های جرائم با همکاری قوه قضاییه: در این پایگاه بایستی از کارشناسان دو طرف استفاده شود و ضمن جمع‌آوری اطلاعات جرائم، نسبت به شناسایی نقاط جرم‌خیز، راه‌های کنترل جرائم و آسیب‌های اجتماعی با کمک قوه قضاییه اقدام شود. با توجه به اینکه نیروی انتظامی در مرحله وقوع جرم و پیگیری جرم اتفاق افتاده دخالت دارد و

قوه قضاییه در مرحله بعد از وقوع جرم، لذا هماهنگی و همکاری این دو می‌تواند زمینه شناخت بهتر جرائم و پیشگیری از آن‌ها را به‌منظور افزایش امنیت اجتماعی به ارمغان آورد؛ بنابراین بایستی به‌طور مرتب آمار جرائم و پرونده‌های قضایی در این پایگاه به‌روزرسانی شود.

- آموزش کارکنان نیروی انتظامی از سوی قوه قضاییه: در دستور قرار گرفتن اندیشه

راهبردی در پلیس برای توسعه پایدار از طریق بازنگری و تقویت آموزش‌های لازم به کارکنان پلیس در سطوح مختلف (عالی، میانی و عملیاتی) برای اجرای دقیق قوانین و مقررات در جهت برقراری نظم و امنیت عمومی در جامعه از طریق همکاری با کارشناسان قوه قضاییه، یکی دیگر از مسائل مهم و پیش‌روی ناجا در تعامل با قوه قضاییه می‌باشد. با توجه به اینکه نیروی انتظامی ضابط قضایی محسوب می‌شود، لازم است به‌عنوان بازوی اجرایی قوه قضاییه، آموزش‌های لازم را برای بهتر انجام دادن امور کسب کند و این آموزش‌ها لازم است از طریق قوه قضاییه به کارکنان نیروی انتظامی ارائه شود.

از آنجایی که وابستگی نهادهای مختلف جامعه زمینه تحقق نظم و امنیت را فراهم می‌سازد و ناجا بایستی با محیط، تعامل مناسبی داشته باشد، در این پژوهش تلاش شد تا زمینه‌ها و بسترهای تسهیل‌کننده تعامل ناجا با قوای سه‌گانه به لحاظ قانونی و اسناد بالادستی (قانون نیروی انتظامی؛ سند چشم‌انداز ۱۴۰۴؛ رهنمودهای مقام معظم رهبری)، ساختاری (سبک رهبری؛ استراتژی سازمانی) و مدیریتی (مهارت‌های مدیریتی) مورد بررسی و شناخت قرار گیرد و ضمن بهره‌گیری از نظرات کارشناسان در زمینه شناسایی نقاط ضعف و قوت ناجا در برقراری تعامل با قوای سه‌گانه، به ارائه راهکار پرداخته شود و در نهایت مدل جامع تعامل ناجا با قوای سه‌گانه را ارائه دهد.

۴. بحث و نتیجه‌گیری

با تشکیل جوامع بشری و گروه‌های اجتماعی، جرم نیز به‌عنوان پدیده ضروری اجتماع متولد شده و همگام با آن ادامه حیات داده و با آهنگ رشد جوامع هم‌نوا شده است. حفظ نظم و امنیت اجتماعی، جامعه را بر آن داشته است تا به واکنش علیه پدیده‌های مجرمانه

بپردازد. تفکر واکنش علیه پدیده‌های مجرمانه، موجب شده است که همواره دولت‌ها به جرح و تعدیل و تشدید کیفرها بپردازند.

پیشگیری، مؤثرترین و بهترین راه مبارزه با جرم و دیگر ناهنجاری‌های اجتماعی است و به کلیه اقدامات و تدابیری گفته می‌شود که هدف آن کاهش فرصت‌ها و موقعیت‌های ارتکاب جرم و یا به حداقل رساندن وسعت و شدت ارتکاب جرم است، بنابراین هر اقدامی که علیه جرم بوده و آن را کاهش دهد پیشگیری محسوب می‌شود که بر این اساس انواع تدابیر کیفری و غیر کیفری چه مربوط به قبل و چه مربوطه به بعد از وقوع جرم باشد را شامل می‌شود. دیدگاه‌های مختلفی در مورد دسته‌بندی اقدامات پیشگیرانه از جرم وجود دارد که امروزه از میان طبقه‌بندی‌های موجود، طبقه‌بندی پیشگیری اجتماعی و پیشگیری وضعی مرسوم‌تر می‌باشند. در پیشگیری اجتماعی با تمرکز بر روی شخصیت مجرم و محیط اجتماعی وی سعی در جهت کاهش زمینه‌های فردی و اجتماعی ارتکاب بزه می‌شود، حال آنکه در پیشگیری وضعی از رهگذر محدود نمودن فرصت ارتکاب جرم، درصدد ایجاد موانع فیزیکی و روان‌شناختی در مقابل پدیده جنایی هستند.

بنابراین برای آنکه تعامل نیروی انتظامی با قوای سه‌گانه در حوزه پیشگیری از جرم بتواند به بهترین شکل ممکن نمود پیدا کند و قابلیت اجرایی بیابد، نیازمند همکاری، مشارکت و تعامل نیروی انتظامی با سه قوه مقننه و مجریه و قضاییه می‌باشد. هرچند وظیفه پیشگیری از جرم مطابق با بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی ایران (اقدام مناسب برای پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمین) بر عهده قوه قضاییه نهاده شده است، اما متولی بودن قوه قضاییه در پیشگیری از جرم به معنای نقش نداشتن دیگر سازمان‌ها و نهادها نمی‌باشد، بلکه دیگر سازمان‌ها و نهادها به‌عنوان ابزار قوه قضاییه برای پیشگیری از جرم محسوب می‌شوند. لذا علت واگذاری این مهم به قوه قضاییه شاید به این دلیل باشد که مهم‌ترین ارگانی که به علل و عوامل و مؤلفه‌های جرم می‌تواند وقوف داشته باشد قوه قضاییه است. بنابراین قوه قضاییه بایستی در امر پیشگیری، مدیریت و سیاست‌گذاری نماید تا اینکه پیشگیری در معنای علمی تثبیت گردد و با توجه به عملکردها و فعالیت‌های علمی و

کاربردی قوه قضاییه چنین تفکری در حال شکل‌گیری و قوام است. در همین راستا کمیسیون سیاست جنایی شورای عالی توسعه قضایی، پیش‌نویس لایحه قانون تأسیس شورای ملی پیشگیری از جرم را تهیه نموده که در این پیش‌نویس نیز مدیریت امر پیشگیری به قوه قضاییه سپرده شده است که مشتمل بر ۱۰ ماده و ۷ تبصره که در جلسه علنی روز دوشنبه مورخ هفتم شهریور ماه یک هزار و سیصد و نود به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده بود، پس از بیش از ده سال در تاریخ ۱۳۹۴/۶/۲۱ از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام با اصلاحات کلی در شش ماده و پنج تبصره موافق با مصلحت نظام تشخیص داده شد و قانون پیشگیری از وقوع جرم به تصویب رسید. همچنین قوه قضاییه از طریق نهادهای اجرایی و زیرمجموعه خود از جمله سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی، سازمان بازرسی کل کشور، دادستانی کل کشور، ستاد حفاظت و پیشگیری اجتماعی و... می‌تواند نقش و جایگاه مهمی در ایفاء پیشگیری از جرم داشته باشد.

در راستای مطالعه نظام واحد پیشگیری از جرم، بدون تردید تحلیل راهبردهای اجرایی و عملی و مطالعه تصمیمات نهادهای مختلف قوای اجرایی در قبال پدیده مجرمانه دوشادوش قوه قضاییه ضرورتی اساسی می‌باشد؛ بنابراین قوه قضاییه بدون تعامل و حضور قوه مجریه نمی‌تواند در امر پیشگیری از جرم به نتیجه مطلوب دست یابد. از این رو قوه مجریه در کنار قوه قضاییه نقش فعالی در به ظهور رساندن طراحی الگوی تعامل نیروی انتظامی در حوزه پیشگیری از جرم دارد و اهمیت قوه مجریه از این جهت که رکن اجراکننده پیشگیری از جرم به شمار می‌رود، از دو جهت حائز اهمیت می‌باشد. اول اینکه قوه مجریه تنها رکن باصلاحیت در راستای تحقق و اجرای پیشگیری از جرم اتخاذ شده می‌باشد، به این معنی که این قوه مجریه است که نقش فعالی در به ظهور رساندن پیشگیری از جرم در کنار سایر ارکان دارد، از سوی دیگر اینکه، این تطبیق و اجرا چنان بایستی در هماهنگی با سایر ارکان صورت گیرد که بتوان با حوزه پیشگیری از جرم واحد روبه‌رو بود، نه اینکه برنامه‌ها و یا عملکرد عوامل اجرایی در جهت مخالف

با پیشگیری از جرم پیش‌بینی شده از سوی قوه مقننه باشد. از این‌رو قوه مجریه نیز از طریق سازمان‌ها و وزارتخانه‌های خود نقش به‌سزایی در پیشگیری از جرائم می‌تواند داشته باشد، پیشگیری از وقوع جرائم منوط به فراهم بودن نیازهای طبیعی و مشروع بوده و اجتناب از شمار بزرگی از ممنوعات فقط در صورتی ممکن است که حواجز منطقی و مشروع مردم به صورت قانونی پیش‌بینی و در عمل فراهم گردد. در غیر این صورت منع و مجازات نه معقول و نه قابل اجرا است. با توجه به آنکه زمینه بسیاری از جرائم در فقر، بیکاری، محرومیت، ناآگاهی و عدم آموزش لازم و نداشتن فرصت‌های برابر بین افراد جامعه است، سازمان‌ها و نهادهای مختلف با هدف حمایت و رساندن حداقل‌های امکانات و خدمات به افراد جامعه و کمک به افسار آسب‌پذیر و تجدید تربیت منحرفین به دنبال اصلاح افراد جامعه بوده که در نتیجه زمینه بسیاری از جرائم و آسیب‌ها را از بین می‌برد و از وقوع جرم پیشگیری می‌کند. هرچند برخی از این سازمان‌ها به دلیل موقعیت حساس خود، از فرصت و امکانات مناسبی برخوردار هستند، مانند وزارت آموزش و پرورش، وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی و وزارت امور اقتصادی و دارایی می‌توانند در کاهش جرائم بیشتر مؤثر باشند؛ بنابراین عوامل قوه مجریه (سازمان‌ها، وزارتخانه‌ها) می‌توانند به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم نقش پیشگیرانه خود را در قالب پیشگیری اجتماعی یا وضعی ایفاء نمایند.

لذا غالب دستگاه‌های اجرایی در امر پیشگیری وضعی و بالأخص پیشگیری اجتماعی به نحوی دخیل هستند که در این میان نیروی انتظامی (پلیس) به‌عنوان نهادی که بیشترین تماس مستقیم را با مردم دارد، حائز اهمیت می‌باشد و در میان نهادهای سیاست جنایی اجرایی، اهمیت و نقش پررنگ پلیس انکارناپذیر است. به‌گونه‌ای که پلیس به‌عنوان بازوی اجرایی قوه مجریه می‌تواند نقش به‌سزایی در پیشگیری اجتماعی و وضعی داشته باشد.

همچنین برای پیشگیری از جرم در سطح کشور نیاز به مشارکت نهادهای مردمی و بخش خصوصی می‌باشد که این مهم در شهرداری و سازمان بهزیستی و کمیته امداد امام خمینی^(ره) کشور به‌خوبی امکان‌پذیر است.

و در آخر، بار دیگر باید تأکید کرد که پیشگیری از وقوع جرم، مستلزم ایجاد سازوکارها و تدارک اقدام‌هایی است که با مشارکت نیروی انتظامی، نهادها، قوای سه‌گانه، مؤسسه‌های مأمور به خدمت عمومی و شهرداری‌ها، رسانه و... تأمین می‌شود، بدین جهت در سایه ایجاد معاونت پیشگیری در قوه قضاییه، ضمن برنامه‌ریزی و روشمند ساختن اقدام‌های آتی، نقش دیگر نهادها را نباید از یاد برد و باید پذیرفت که منظور قانون اساسی در وا نهادن وظیفه پیشگیری بر عهده قوه قضاییه، مدیریت آن به جهت تحقق و ارتباط موضوع با این قوه می‌باشد و بی‌شک دستگاه قضایی در پیشگیری از وقوع بزه از مشارکت دیگر نهادها، در حد وظیفه واگذار شده به آن‌ها و به اشکال مختلف بی‌نیاز نیست.

پیشگیری از جرم امری مقطعی و موردی نیست بلکه، راهکاری فراگیر و تدریجی است که باید در قالب یک سیاست جنایی همه‌جانبه پیگیری و دنبال شود و تمامی ارگان‌های جامعه، رسمی و غیررسمی (جامعه مدنی) باید در آن مداخله داده شود. به‌عنوان مثال پیشگیری وضعی جرم مستلزم انجام اقدام‌هایی است که نه در صلاحیت قوه قضاییه است و نه در تخصص آن قوه. برای مثال نصب چراغ روشنایی در معابر و اماکن عمومی، نصب دوربین در اماکن عمومی، استفاده از عایق‌های خاص در صندوق‌ها و مؤسسات مالی، گسترش تأمین اجتماعی، اصلاح وسایل حمل و نقل عمومی و... در زمره اقدامات پیشگیرانه وضعی از جرم است که باید توسط سایر مقامات دولتی و اجرایی کشور صورت بگیرد.

پیشنهادهات

در ذیل پیشنهادهایی به منظور کاربردی‌تر شدن و مطلوب‌تر شدن طراحی الگوی تعامل نیروی انتظامی با قوای سه‌گانه در حوزه پیشگیری از جرم ارائه می‌گردد:

- در تدوین قوانین و مقررات جدید باید پیشگیری در همه ابعاد آن به‌طور صریح و خاص مورد توجه قرار گیرد. به‌طور مثال ما در حقوق جزا، اصولی را تحت عنوان اصل قانونی بودن مجازات‌ها و اصل شخصی بودن و یا اصل برائت داریم که از اصول سیاست جنایی محسوب می‌شود، حال اگر بیایم از قوانین موجود، اصلی را استخراج و یا وضع کنیم به نام اصل قانونی بودن پیشگیری و آن را مقدم بر

- اصل سازمان‌هایی بدانیم که موجب قوانین مسئول پیشگیری از وقوع جرم هستند، می‌توانیم در عمل شاهد تأثیر چشمگیری در این زمینه باشیم.
- کلیه برنامه‌ها و اقداماتی که به نحوی به بهبود امنیت انسانی و تقویت عدالت اجتماعی منجر می‌شوند باید مورد پشتیبانی و حمایت قرار بگیرند.
 - در برنامه‌ها و اقدامات پیشگیرانه باید به تفاوت‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و نیز تأمین حداقل نیازهای اساسی جامعه توجه شود.
 - قوای سه‌گانه، ضمن شناسایی دقیق حیطه کاری خود و جهت پیشبرد برنامه‌های مربوط به سیاست جنایی باید به تفاهم و تعامل با یکدیگر بپردازند.
 - نیروی انتظامی به‌طور بالقوه توانایی زیادی در پاسخ‌دهی کنشی و واکنشی به پدیده مجرمانه دارا می‌باشد. باید این توانایی‌ها را شناسایی و تقویت و توانمندی‌های موجود را ارتقاء بخشید.
 - به دلیل فقدان الزام قانونی صریح برای قوه مجریه، سیاست‌گذاری و سازمان‌دهی مشخصی در این امر وجود ندارد؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود که با واگذاری اختیارات بیشتر به قوه مجریه در خصوص پیشگیری اجتماعی و پیش‌بینی ضمانت‌اجراهای کافی در مورد قصور نهادهای دولتی از وظایف خود در این زمینه، بستر فعالیت‌های جدی‌تر فراهم گردد. در واقع، قانون‌گذار باید متولی انجام هرکدام از انواع پیشگیری از جرم را مشخص نماید تا کوتاهی و عدم توجه مرجع مذکور در این امر قابل پیگیری باشد.
 - در جهت کاهش وقوع جرائم، کنترل پدیده‌های مجرمانه و موفقیت در سیاست جنایی و توجه به عوامل اصلی ایجاد جرم، مهم‌تر از دیگر مسائل می‌باشد. در برخورد با مجرمان، دستگاه قضایی در بهترین حالت می‌تواند تنها عده‌ای از مجرمان را اصلاح یا درمان کند، اما اگر وقوع جرم یا تکرار آن، علت‌یابی و ریشه‌یابی شده و عوامل اصلی جرم‌زا شناسایی شود و از بین برود، دامنه موفقیت بیشتر شده و از ارتکاب جرائم در سطح گسترده پیشگیری خواهد شد.

- عدم آگاهی مردم به امور حقوقی، می‌تواند موجب بروز بسیاری از مشکلات حقوقی و طرح دعاوی متعدد و گاه نابجا شود. شخصی که بدون دانش حقوقی، در خرید و فروش ملک و سرمایه‌گذاری شرکت می‌کند، ممکن است در دام کلاه‌برداران گرفتار شود. وجود مراکز اطلاع‌رسانی حقوق و مراکز مشاوره رایگان یا کم‌هزینه به نحوی که بتواند خدمات حقوقی مطلوبی به مردم ارائه دهد، از وقوع بسیاری از مشکلات و جرائم جلوگیری می‌نماید. چنین مراکزی می‌توانند قبل از هرگونه دعوایی، اطلاعات حقوقی لازم را در اختیار مردم بگذارند و نیز می‌توانند بعد از بروز مشکل حقوقی، در هنگام مراجعه به محاکم قضایی، راهنمای مردم در طرح درست دعاوی، جلوگیری از اطاله دادرسی و بروز مشکلات فراروی مردم و دستگاه قضایی باشند.
- یکی از بهترین منابع در تهیه هر برنامه کاربردی از جمله یک برنامه پیشگیری از جرم، استفاده از تجربیات دیگران است. در این زمینه، بهره‌گیری از تجربیات کشورهای دیگر به خصوص رهنمودها و دستاوردهای کنگره‌های سازمان ملل در مورد پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمان بسیار مناسب است. البته این تجربیات باید با فرهنگ و شرایط داخلی کشور، تطبیق داده شود.
- با توجه به نقش فرهنگ و آموزش در خانواده و جامعه باید با حمایت از مراجع دخیل در این امر نهایت استفاده را از امکانات موجود در این زمینه در جهت پیشگیری از جرم نمود، در این زمینه اطفال و نوجوانان از موقعیت ویژه‌ای برخوردارند و می‌توانند موضوع برنامه‌ریزی مناسب و مؤثری قرار گیرند.
- توجه به نقش مردم به خصوص در کشوری با فرهنگ سنتی می‌تواند سهم عمده‌ای در پیشگیری از جرم داشته باشد. حمایت از سازمان‌های مردم‌نهاد که در زمینه پیشگیری از جرائم فعالیت دارند و تقویت سیاست جنایی مشارکتی، کمک مؤثری به اجرای برنامه‌های پیشگیری از جرم خواهد بود و از بار هزینه‌های این برنامه‌ها نیز خواهد کاست.

- پیشنهاد می‌شود که با ایجاد کارگروه‌های مشخص، همکاری میان قوه مجریه با قوه قضاییه برقرار گردد تا این دو نهاد بتوانند با توجه به امکانات و ظرفیت‌های متقابل، برنامه‌ریزی‌های لازم و اقدامات مناسبی را در زمینه پیشگیری از جرم انجام دهند.
 - با تشکیل کمیته‌ای تخصصی با حضور اندیشمندان، اساتید و صاحب‌نظران در عرصه علوم جنایی، به آسیب‌شناسی بزهکاری و رفتارهای جنایی در کشور پرداخته شود و یافته‌های حاصله، با وصف الزام‌آوری به واضعان و مجریان سیاست جنایی بالأخص قوه قضاییه و قوه مجریه پیشنهاد و ارائه گردد.
 - با پیش‌بینی و تدوین نظام جامع اطلاع‌رسانی و ایجاد هماهنگی، تعامل و ارتباط نزدیک بین نهادهای قانون‌گذاری، قضایی و اجرایی، باید از بروز تعارض، ابهام، انحراف و ناکارآمدی در سیستم جنایی جلوگیری به عمل آید.
- امید است با به‌کارگیری همه امکانات و قوای موجود در کشور، بتوان به نتایج خوب و مفیدی در زمینه طراحی الگوی تعامل نیروی انتظامی با قوای سه‌گانه در حوزه پیشگیری از جرم دست یافت.

فهرست منابع و مآخذ

- آراسته، حمیدرضا؛ بهرنگی، محمدرضا؛ نوه ابراهیم، عبدالرحیم و رفیعی حسن‌رضا، (۱۳۹۰)، نقش تعامل بهینه نیروی انتظامی با آموزش و پرورش در ارتقاء فرهنگ نظم و ایمنی ترافیکی کشور، فصلنامه دانش انتظامی، دوره سیزدهم، شماره دو.
- احمدی، احمد، (۱۳۹۴)، پیشگیری از جرم در پژوهش‌ها و مقررات، چاپ دوم، نشر تهران.
- اسلامی‌فر، علیرضا؛ کردتمینی، محسن و شهناوی، مرادمحمد، (۱۳۹۱)، بررسی تعامل سران طوایف با نیروهای انتظامی. امنیتی و تأثیر آن بر امنیت استان سیستان و بلوچستان، اولین همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت، چالش‌ها و رهیافت‌ها، زاهدان، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- اسماعیلی، محسن؛ مهاجرانی، علی، ماهیت و الگوی تعریف در مفاهیم حقوقی، پژوهشنامه حقوق اسلامی، دوره ۱۷، شماره ۴۳.
- الیاسی، محمدحسین؛ تقویی، منصور، (۱۳۸۸)، نقش تعاملات پلیس راهنمایی و رانندگی در رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی توسط رانندگان، پژوهش‌های مدیریت انتظامی (مطالعات مدیریت انتظامی)، دوره ۴، شماره ۳.
- بهزادفر، مصطفی؛ طهماسبی، ارسلان، (۱۳۹۲)، شناسایی و ارزیابی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تعاملات اجتماعی (تحکیم و توسعه روابط شهروندی در خیابان‌های شهری: نمونه مورد مطالعه: سندرچ)، باغ نظر، شماره ۱۷.
- بیرو، آلن، (۱۳۷۵)، فرهنگ علوم اجتماعی، مترجم: باقر ساروخانی، چاپ سوم، تهران، انتشارات کیهان.
- جزینی، علیرضا؛ نوائی، مجید؛ محمدی، سعید، (۱۳۹۲)، تعامل نیروی انتظامی با بسیج در پیشگیری از جرائم امنیتی، فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی، سال هشتم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۲.
- حامدی، ایرج، (۱۳۹۵)، نقش تعامل نیروی انتظامی و نهادهای مردمی در پیشگیری از جرم، نخستین همایش ملی، پیشگیری از جرم (مجموعه مقالات) دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا.
- دانشپور، سید عبدالهادی؛ چرخچیان، مریم، (۱۳۷۹)، فضاهاى عمومی و عوامل مؤثر بر حیات جمعی، نشریه باغ نظر، شماره ۷.
- دستوم، صلاح؛ رضانی‌نژاد، رحیم؛ بنار، نوشین و رسولی، رحیم، (۱۳۹۲)، بررسی تعامل بین محیط آکادمیک و صنعت ورزش ایران بر اساس تحلیل اسناد و ساختار، پژوهش‌های کاربردی در مدیریت ورزشی، دوره دوم، شماره دوم.

- ساروخانی، باقر، (۱۳۷۰)، دایرةالمعارف علوم اجتماعی تهران، کیهان.
- شاهرودی، حسن، (۱۳۹۶)، پیشگیری از وقوع جرم، چاپ دوم، مرکز مطبوعات و انتشارات.
- عابدی، محمدتقی، (۱۳۹۱)، حق بر تابعیت و اصل دادرسی منصفانه، پژوهشنامه حقوق خصوصی، سال اول، شماره اول.
- مهابادی، علی‌اصغر، (۱۳۸۵)، ضابطین دادگستری چه کسانی هستند، نشریه داخلی کانون وکلا، سال پنجم، شماره بیستم.

